

اندر اول شدن ایران

با بینش مقام معظم رهبری، اهداف بلندمدت کشور پایه گذاری و توسط مجمع تشخیص مصلحت پردازش و در برنامه چهارم نیز منعکس گردیده است. اول شدن ایران در منطقه، مرکز ثقل این بینش است. ولی چالش‌های رودرروی ایران تا افق ۱۴۰۴ فراوانند.



دهیم و از فرار مغزها جلوگیری کنیم، این برتری تداوم خواهد یافت. در حال حاضر شاخص‌های رشد نوآوری، توسعه فن آوری و تولید علم در ایران از شرایط نامطلوبی برخوردارند، به طوری که سهم کشورمان در تولید علم جهانی کمتر از

۰/۵ درصد است. در واقع، بدون توسعه فن آوری و ارتقای سطح تکنولوژی و بومی کردن آن - توسط پیاده نظام اقتصاد کشورمان، یعنی نیروی انسانی کار آموزه - رشد همه جانبه و توسعه بلندمدت، امکان پذیر نخواهد بود.

پول و نفت

در مقایسه با رقبای، از جمله مشکلات مهم اخیر کشورمان رشد بی رویه نقدینگی و تورم است. از سال ۱۹۹۸ تاکنون، رشد نقدینگی در ایران همواره از متوسط رشد نقدینگی کشورهای منطقه بالاتر بوده است. البته در سال‌های اخیر، رشد نقدینگی در دیگر کشورهای منطقه نیز در پی افزایش درآمدهای نفتی، آهنگ صعودی به خود گرفته است. با استناد به ارقام بین المللی، نرخ تورم ایران در پایان سال ۲۰۰۶ به رقم ۱۸/۵ درصد رسیده که در میان کشورهای منطقه بی سابقه بوده است. از این لحاظ، کشورهای آذربایجان، پاکستان و ترکیه به ترتیب با نرخ‌های تورم ۱۰/۵، ۹/۸ و ۹/۷ درصد، در جایگاه‌های بعدی قرار دارند. از دیگر مشکلات اساسی در تحقق اهداف سند چشم‌انداز ۲۰ ساله، می‌توان به وابستگی فزاینده اقتصاد ایران به درآمدهای نفتی و آسیب‌های وارده ناشی از نوسانات قیمت آن بر بیکاره نظام اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور اشاره نمود. شایان توجه است، در اکثر کشورهای منطقه - که مانند کشورمان صادرکننده نفت هستند - اقدامات قانونی و اجرایی گسترده‌ای در خصوص کاهش این وابستگی در حال صورت گرفتن است.

در سرفصل جایگاه ایران در منطقه (صفحات ۳۰ - ۲۳)، به طور تفصیلی تر به بررسی جایگاه ایران در منطقه پرداخته شده است.

پُر کردن شکاف رشد

کار زیاد داریم! سیاست‌ها و اقدامات ذیل به منظور پُر کردن شکاف رشد و دست یافتن به رشد اقتصادی مطلوب، توصیه می‌شوند:

- کاهش وابستگی به نفت و مصرف بی‌رویه دلارهای نفتی و کسری بودجه مداوم از طریق ارتقای انضباط مالی دولت
- توجه بیشتر به منابع خدادادی کشور پهناورمان و شناسایی مزیت‌های اقتصادی آن بین کشورهای منطقه و پر کردن حلقه مزیتی
- توجه به سرمایه انسانی، صادرات غیرنفتی، افزایش ظرفیت‌های بهره‌ور و مولد تولیدی و کاهش وابستگی به محصولات کم کیفیت وارداتی
- اتخاذ سیاست‌های هماهنگ با اقتصادهای منطقه‌ای و جهانی در راستای توسعه صادرات و جذب سرمایه‌گذاران و گردشگران خارجی
- تلاش جهت از بین بردن موانع جهانی شدن در کلیه بازارها و بخش‌ها و دفع اثرات نامطلوب آن
- ارتقای عدالت اقتصادی با ایجاد اشتغال، کاهش تورم، حفظ قدرت خرید و افزایش انگیزه نیروی کار
- آزادسازی نظام قیمت‌ها در کنار مجموعه هدفمند یارانه‌ها
- خصوصی سازی بنگاه‌های دولتی (بندج) و تشویق و حمایت از

مقایسه رشد اقتصادی ایران با کشورهای منطقه نشان می‌دهد که با حفظ نرخ رشد متوسط سالانه در فاصله سال‌های ۲۰۰۶-۱۹۹۸ که معادل ۴/۶۸ درصد است، کشورمان در سال ۱۴۰۴ (۲۰۲۵ میلادی) حتی یک رتبه نیز سقوط خواهد کرد. طبق پیش بینی واحد تحقیقات ماهنامه «اقتصاد ایران»، در این سال، کشور ترکیه بین ۱۳ کشور منطقه مکان نخست و عربستان جایگاه دوم را به خود اختصاص خواهد داد. بنابراین، این دو کشور که هم اکنون نیز مهم‌ترین رقبای ایران از نظر اقتصادی و سیاسی محسوب می‌شوند، کماکان رقیب ایران ولی جلوتر از ما خواهند بود. اما قافیه را بنامیم! برای پشت سر گذاشتن این رقبا لازم است در زمان باقی مانده تا افق ۱۴۰۴ به نرخ رشد متوسط سالانه ۷/۱ درصدی دست یابیم.

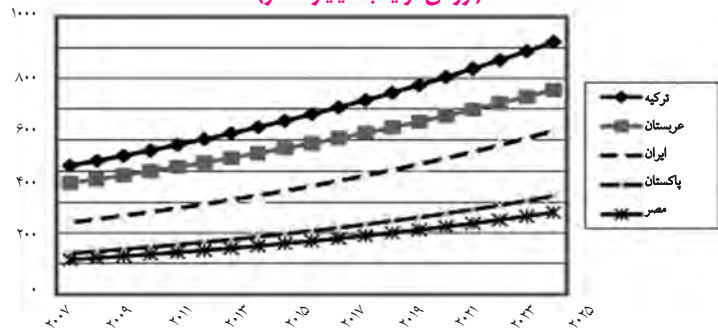
رقابت برای رشد

در مسابقه رشد، ایران با متوسط رشد سالانه ۴/۶۸ درصد در طی سال‌های ۲۰۰۶-۱۹۹۸ جایگاه هشتم را در بین ۱۳ کشور همسایه و همگن به خود اختصاص داده است. در سال ۲۰۰۶ با وجود افزایش رشد اقتصاد ایران به رقم ۴/۹ درصد (با استناد به آمارهای همخوان بین المللی)، به دلیل سرعت بالاتر کشورهای رقیب، ایران در رتبه یازدهم قرار گرفته است. لازم به ذکر است، متوسط رشد کشورهای خاورمیانه در سال ۲۰۰۶، معادل ۸/۷۲ درصد بوده است. چرا از رقبا سبقت نخواهیم گرفت؟ اول آن که، به قول یکی از دوستان، ما مدل اقتصادی مشخصی نداریم و بین اقتصاد آزاد و سوسیالیسم، به اصطلاح، «توتو می‌خوریم!» هر یک از الگوها مثل اقتصاد اسلامی یا دولت بزرگ یا خصوصی سازی را در برهه‌هایی از زمان تجربه و سپس رها کرده‌ایم. به عنوان مثال، اکنون بندج «ابلاغیه مقام معظم رهبری در مورد سیاست‌های کلی اصل ۴۴ با تقاضای دولت برای سهام عدالت - از دیدگاه حاکمیت شرکتی - تضعیف گشته است. بهتر آن بود که خصوصی سازی را خراب نمی‌کردیم و آن را قدرتمند نگه می‌داشتیم، ولی برای اهداف عدالت خواهانه و خیر خواهانه دولت از سایر منابع - مانند نفت و مالیات‌ها - برای پرداخت‌های یارانه‌ای ماهانه و هدفمند استفاده می‌کردیم.

طبیعتاً، کلید حل مشکلات اقتصادی ما کوچک سازی دولت، انحصار شکنی، خصوصی سازی، تشویق ورود بخش خصوصی جدید و ایجاد محیط‌های رقابتی و قیمت‌های آزاد است تا در سایه آنها بتوانیم به رشد ۷/۱ درصدی ایده‌آل خود دست یابیم. در این باب، مراد از رقابت، تنها رقابت داخلی نیست بلکه رقابت بین المللی و ارتباط بیشتر اقتصادمان با کشورهای همسایه و بازارهای جهانی است. مشکل دیگر در مسیر دستیابی به رتبه برتر اقتصادی در منطقه، نرخ بیکاری بالا به خصوص در میان نیروهای تحصیل کرده در ایران است. گفتنی است، کشورهای عربی منطقه، به شدت به نیروی کار خارجی متخصص و نیمه متخصص وابسته هستند. لذا از این لحاظ کشورمان اکنون هم نسبت به کشورهای منطقه برتری داشته و اگر نرخ بیکاری گزاف تحصیل کردگان را کاهش

جایگاه ایران در بین کشورهای بزرگ منطقه تا افق ۱۴۰۴ (۲۰۲۵)

(ارزش تولید به میلیارد دلار)



منبع: واحد تحقیقات ماهنامه «اقتصاد ایران».

- تمرکززدایی و جلوگیری از به وجود آمدن کلان شهرها و توجه واقع بینانه به روستاها و بخش کشاورزی
- ایجاد انسجام بین جناح‌ها و گروه‌های داخلی در جهت اهداف مشخص شده در سند چشم‌انداز؛ این مسأله، شرط لازم پیروزی در تعاملات منطقه‌ای است. به علاوه، باید به گروه‌های جدید و احزاب مردمی به عرصه سیاست داخلی اجازه ورود داد.
- توجه به تفاوت‌های منطقه‌ای در برنامه ریزی‌ها و توسعه متوازن منطقه‌ای بر اساس مزیت‌ها و توجه به آمایش سرزمین و تدوین و بازنگری آن بر مبنای رسیدن به مطلوب‌ترین توزیع ممکن جمعیت
- عدم تعامل صرف با شرق و جایگزینی بی‌چون و چرای آن با غرب و حل اختلاف ایران با کشورهای حوزه خلیج فارس و جهان
- به نظر ما، با این که چالش‌ها بسیارند اما اهداف - با کمی تلاش در اندیشه و اجرا - دور از دسترس نیستند. بیش از هر چیز، کشورمان نیاز به توسعه همه‌جانبه و مدیریت و شایسته‌سالاری مناسب دارد. انشاءالله. ■

- ورود بخش خصوصی جدید (بند الف سیاست‌های کلی اصل ۴۴)
- عدم کنترل مصنوعی بورس و شفاف نمودن، کارآمد کردن و منصفانه کردن معاملات آن برای جذب سرمایه‌های کوچک و بزرگ داخلی و خارجی؛ و کاهش قدرت شرکت‌های دولتی و شبه دولتی
- ترویج شایسته‌سالاری در سیستم دولتی، شبه دولتی و عمومی
- سامان‌دهی محیط کسب و کار و حذف دیوانسالاری دولت و تلاش برای جلب اعتماد عمومی در جامعه که در نهایت منجر به مشارکت شود
- افزایش شفافیت عملکرد دولت و انعکاس دقیق آمار و ارقام مربوط به شاخص‌های اقتصادی به منظور پیش‌بینی و برنامه‌ریزی بلندمدت و اجتناب از آرایه سیگنال‌های غلط به بازار و بخش خصوصی
- حمایت و پشتیبانی از حقوق مالکیت معنوی، اختراعات، نوآوری‌ها و خلاقیت‌ها
- در پیش گرفتن سیاست تعادل و توسعه متوازن در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی (شامل توسعه واقعی مردم سالاری) و اجتماعی

اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی

قدم‌های ۴۴



اجرای سیاست‌های جدید اصل ۴۴، به تدابیر خاص خود نیاز دارد؛ تدابیری که با همکاری دولت، تشکل‌ها و بخش خصوصی قابل اتخاذ است.

طی این مدت، کارشناسان و

متخصصان با عنایت به آنچه در جهان توسعه یافته و صنعتی می‌گذشت و با تغییرات عظیمی که از جنبه‌های مختلف رخ می‌داد و مقایسه آن با وضع کشور، همواره در این زمینه به دولت‌ها هشدار می‌دادند و به ویژه، تشکل‌های صنعتی وابسته به بخش خصوصی، همواره پایه و اساس فعالیت‌های صنفی خود را مبتنی بر این امر گذاشته بودند.

سرانجام، عصر جدیدی در اقتصاد کشور پدید آمد، عصری که با اعلام تغییر سیاست‌های کلی بند "ج" اصل ۴۴ قانون اساسی و جایگزین شدن سیاست‌های جدید و ابلاغ آن جهت اجرا به دولت، نویدبخش آینده‌ای روشن برای اقتصاد کشور شد.

سیاست‌های جدید در رابطه با بخش خصوصی تحت عنوان سیاست‌های کلی توسعه بخش غیردولتی عبارتند از واگذاری ۸۰ درصد سهام شرکت‌ها و مؤسسات وابسته به دولت، به شرح زیر:

- بنگاه‌های دولتی که در زمینه معادن بزرگ، صنایع بزرگ و صنایع مادر (از جمله صنایع پایین دستی نفت و گاز) فعال هستند (به استثنای شرکت ملی نفت ایران و شرکت‌های استخراج و تولید نفت خام و گاز)
- بانک‌های دولتی به استثنای بانک مرکزی، بانک ملی ایران، بانک سپه، بانک صنعت و معدن، بانک کشاورزی، بانک مسکن و بانک توسعه صادرات

- شرکت‌های بیمه دولتی به استثنای بیمه مرکزی و بیمه ایران
- شرکت‌های هواپیمایی و کشتیرانی به استثنای سازمان هواپیمایی کشوری و سازمان بنادر و کشتیرانی
- بنگاه‌های تأمین نیرو به استثنای شبکه‌های اصلی انتقال برق
- بنگاه‌های پستی و مخابرات به استثنای شبکه‌های مادر مخابراتی و مدیریت توزیع خدمات پایه

- صنایع وابسته به نیروهای مسلح به استثنای تولیدات دفاعی و امنیتی ضروری به تشخیص فرمانده کل قوا
- آشکار است که تصمیمات جدید فراتر از اندیشه خصوصی سازی گذشته است و برای عملی شدن این سیاست‌ها باید دولت و بخش خصوصی، زمینه لازم را از طریق اتخاذ تدابیر جدی و بخش خصوصی فراهم نمایند.

در رابطه با تدابیر، ضروری است موارد زیر را مد نظر قرار داد:

طی سال‌های تنظیم و تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و رعایت اصول ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی مبتنی بر اولویت قابل شدن برای اقتصاد دولتی و نگرش به بخش خصوصی به عنوان مکمل دو بخش تعاونی و دولتی، بخش خصوصی به نحوی کامل از صحنه اقتصاد کشور به دور افتاد. بدیهی است، این امر ناشی از شرایط اقتصادی - اجتماعی دوران آغازین پیروزی انقلاب اسلامی و شعارهای انقلاب جهت اجرای عدالت به معنی وسیع کلمه و هدف آن، یعنی استقرار نظام اقتصادی عادلانه در کشور بود. ولی اجرای اصول فوق در سه دهه گذشته نتوانست مهر تأیید بر چنان نظراتی بگذارد.

از یک سو، تعیین مدیران جدید برای واحدهای دولتی شده که اکثراً فاقد تخصص و مهارت لازم بودند، مشکلات بسیاری به بار می‌آورد. از سوی دیگر، براساس همان عدم تخصص و مهارت، تصمیم‌های نادرستی در مورد سرمایه‌گذاری‌ها و استفاده از فن‌آوری‌های جدید و استفاده از نیروهای انسانی متخصص اتخاذ می‌گردید که در نتیجه، کاستی‌هایی را در زمینه فرآیند اداره واحدهای مختلف اقتصادی - اجتماعی ایجاد می‌کرد و نهایتاً موجبات زیان‌دهی یا ورشکستگی واحدهای مذکور را فراهم می‌ساخت.

تردید نیست که این وضع نمی‌توانست ادامه یابد. علاوه بر کاستی‌ها و نقایص یاد شده، تغییرات اقتصادی - اجتماعی جهان و به تبع آن، دگرگونی در شرایط اقتصادی - اجتماعی کشورها ایجاب می‌کرد که قوانین و مقررات ناظر بر امور اقتصادی کشور آن چنان تغییر یابند که با افزایش جمعیت، تغییر وضع بازار کار و پیدایش گروه عظیمی از جوانان آماده به کار و همچنین امکان گسترش روابط اقتصادی و بازرگانی کشور با دیگر کشورهای جهان همخوانی داشته و سرانجام امکان پیوستن به سازمان تجارت جهانی (WTO) را فراهم سازد.

به این ترتیب، واضح بود که اقتصاد دولتی و اولویت قابل شده برای شرکت‌های دولتی و متورم و بزرگ شدن دولت (که خود موجب افزایش تورم می‌گردید) نمی‌توانست ادامه یابد.

بدین لحاظ، از سال ۱۳۷۰ مسأله فروش برخی از شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی متعلق به شرکت‌های دولتی مطرح گردید و متعاقباً با تشکیل سازمان خصوصی سازی، در دهه ۱۳۸۰ جنبه جدی‌تری به خود گرفت. ولی علیرغم همه این تغییرات، سعی بر آن بود که اساس اصول ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی حفظ و رعایت گردد.